

بررسی و تحلیل اسرار تفسیری داستان اصحاب کهف با تأکید بر امر ولایت و تقیه

مریم شهرکی سربند¹ اردشیر اسدبیگی² محمد علی احمدیان³

¹ دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
² استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
³ دانشیار گروه جغرافیای واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
نویسنده مسئول: jafar.asadbeigi@gmail.com
تاریخ دریافت: 1403/04/13 تاریخ پذیرش: 1403/07/23

چکیده

قصص قرآنی دارای مضامین و اسراری است که خداوند متعال برای عبرت آموزی جامعه بشری بدان اشاره نموده است. سوره کهف یکی از سور قرآنی است که در آن خداوند از آیات 9-26 به وقایع پیرامون جوانانی می پردازد که به اصحاب کهف مشهورند، جوانانی که در محیط شرک آلود برای حفظ ایمانشان ترک شهر و دیار خویش را برمی گزیدند. آنان برای حفظ و حراست از ایمان قلبی خویش به خداوند متعال به اعمالی دست زدند که عملکرد آنان به عنوان الگو در قرآن کریم مطرح گشت. در این پژوهش به بررسی و تحلیل اسرار تفسیری و تاویلی داستان اصحاب کهف از دیدگاه قرآن پژوهان با تأکید ویژه بر مفاهیم ولایت و تقیه به عنوان دو اصل مهم در فهم عمیق این داستان پرداخته شده است و در نهایت، تأثیرات این دو مفهوم بر تفسیر داستان اصحاب کهف و پایداری آنان در ایمان تحلیل می گردد. روش پژوهش کتابخانه ای و مبتنی بر مطالعه، تحقیق، گردآوری روایات، تجزیه و تحلیل آن ها است. یافته های تحقیق نشان از این دارد که امر ولایت، تقیه و پایداری در ایمان به عنوان مولفه های پنهان و مهم در این داستان در آیات مختلف وجود دارد. یافته ها نشان می دهد تحلیل این مسائل و ارائه نتایج دقیق و جامع، به فهم عمیق تر این داستان و مفاهیم مرتبط با آن کمک خواهد کرد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی می باشد.

کلیدواژه: اصحاب کهف، ولایت، تقیه، تفسیر المیزان، مجمع البیان.

مقدمه

اسلوب و روش قرآن در بیان برخی حقایق و معارف شریعت اسلام، آوردن تمثیل یا تشبیه و بیان حکایات و قصه های واقعی است. از آنجا که قرآن کتاب حق است و باطل در آن راهی ندارد، پس قطعاً قصه های قرآن هم داستان هایی حقیقی و بیانگر نکاتی والا است. داستان اصحاب کهف به عنوان یکی از معجزات برجسته قرآنی، حاوی لایه های متعددی از معانی و تفاسیر است که تاکنون مورد بررسی قرار گرفته اند. بخشی از سوره کهف به گروهی از جوانان مؤمن اشاره دارد که برای حفظ ایمان خود از دست حاکمان ظالم به غاری پناه بردند و به طور معجزه آسا برای مدت طولانی به خواب رفتند. این داستان نمادی از پایداری در ایمان و تقابل با ظلم و ستم است.

با این حال، تحلیل اسرار تفسیری و تاویلی این داستان از منظر دو مفهوم کلیدی ولایت و تقیه هنوز به طور جامع کاوش نشده است. ولایت به عنوان مفهومی مرتبط با رهبری الهی و نقش امامان معصوم در هدایت جامعه، نشان دهنده ارتباط مستقیم انسان با خداوند و مسئولیت رهبران دینی در حفظ و ترویج ارزش های الهی است. از سوی دیگر، تقیه به عنوان ابزاری برای حفظ ایمان در شرایط دشوار و مقابله با تهدیدات جانی و عقیدتی، نقش مهمی در بقای اسلام و پیروان آن در دوره های مختلف تاریخی داشته است.

درک این دو مفهوم می تواند به پژوهشگران، قرآن پژوهان و علاقه مندان به این حوزه بینش های جدیدی در مورد چگونگی مقابله با ستم و حفظ ایمان در شرایط سخت ارائه دهد. به عنوان مثال، درک عمیق تر مفهوم ولایت می تواند به شناخت بهتر نقش رهبران دینی در هدایت جامعه و حفاظت از ایمان پیروان کمک کند. همچنین، بررسی مفهوم تقیه می تواند نشان دهد که چگونه مسلمانان می توانند در مواجهه با شرایط خطرناک و تهدیدات جانی، به حفظ ایمان خود پرداخته و از ارزش های دینی خود دفاع کنند.

مسئله اصلی این پژوهش، شناسایی و تحلیل اسرار تفسیری و تاویلی مرتبط با این دو مفهوم است و بررسی این که چگونه می‌توانند در فهم صحیح داستان اصحاب کهف و کاربرد آن در زندگی معاصر مؤثر باشند. سوال اصلی تحقیق این است که چگونه مفاهیم ولایت و تقیه می‌توانند در تفسیر و تاویل داستان اصحاب کهف مؤثر باشند و چه بینش‌های جدیدی می‌توان از آنها برای مقابله با چالش‌های ایمانی و اجتماعی امروز استخراج کرد؟ در این مقاله، با تأکید بر دو مفهوم اساسی ولایت و تقیه، به بررسی عمیق‌تر این داستان پرداخته شده و تلاش شده است تا با استفاده از روش تحلیل محتوا، تأثیرات این مفاهیم بر تفسیر و درک عمیق داستان اصحاب کهف مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. روش تحلیل محتوا با بررسی دقیق متن قرآن و تفسیرهای معتبر، امکان درک عمیق‌تر و جامع‌تر از مفاهیم مطرح شده را فراهم می‌کند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به درک بهتر نقش ولایت و تقیه در تفسیر داستان‌های قرآنی و به تبع آن، به کارگیری این مفاهیم در زندگی معاصر کمک کند.

پیشینه تحقیق

در این بخش، به بررسی پژوهش‌های قبلی و مطالعات انجام‌شده در زمینه تفسیر و تاویل داستان اصحاب کهف پرداخته شده است. هدف از این مرور، شناسایی خلأهای موجود در تحقیقات پیشین و تعیین جایگاه پژوهش حاضر در میان آن‌ها است که بدین شرح می‌باشد: حیدری، شریفی و حلیمی جلودار (1402). در مقاله‌ای با عنوان "اصحاب کهف؛ روایتی مسیحی یا قصه‌ای قرآنی؟". این مقاله به نقد و بررسی دیدگاه خاورشناسانی که داستان اصحاب کهف را اقتباسی از روایت‌های مسیحی می‌دانند، پرداخته است. نویسندگان با روش توصیفی-تحلیلی، تفاوت‌های میان روایت‌های مسیحی و قرآنی از این داستان را بررسی کرده و نشان داده‌اند که قرآن با بیانی گویا و بدون مبالغه به این داستان پرداخته و فرضیه‌ی تأثیرپذیری پیامبر (ص) از آموزگاران مسیحی را نقد کرده‌اند. حاج‌بابایی و نیکخواه‌منفرد (1393) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل ساختار روایت اصحاب کهف در قرآن کریم". این پژوهش به تحلیل ساختار روایت داستان اصحاب کهف در قرآن کریم پرداخته و نشان می‌دهد که روایت‌های قرآنی، بدون تخیل و مبالغه، در خدمت اهداف تربیتی و هدایتی قرار گرفته‌اند. داستان اصحاب کهف از زاویه دید دانای کل مطلق حقیقی بیان می‌شود و تأکید آن بر نیت درونی شخصیت‌هاست. این شخصیت‌ها به دلیل قدم نهادن در راه حق، مشمول رحمت و هدایت الهی می‌شوند و روایت به گونه‌ای تنظیم شده که می‌تواند در هر زمان و مکانی رخ دهد. مهدوی‌کنی و میری (1392) در مقاله‌ای با عنوان "هنر و تربیت در شخصیت‌پردازی قصص سوره کهف". این مقاله به تحلیل شخصیت‌های داستان‌های سوره کهف از دو بعد هنری و تربیتی پرداخته است. نویسندگان بر نقش قهرمان و ضد قهرمان در این قصه‌ها تأکید کرده و با بررسی سبک‌های مختلف داستان‌پردازی در این سوره، به نقش و اهمیت هر شخصیت در معرفی فضای داستان و حرکت آن پرداخته‌اند. واحد اسدالله و پوردرگاهی ابراهیم (1389) در مقاله‌ای با عنوان "تطبیق اولیاء الله با اصحاب کهف در متون عرفانی فارسی". این مقاله به بررسی مشابهت‌های بین اولیاء اله و اصحاب کهف در متون عرفانی فارسی پرداخته است. این تحقیقات، هر یک به جنبه‌های مختلف داستان اصحاب کهف پرداخته‌اند و با استفاده از روش‌های مختلف تحلیلی، تلاش کرده‌اند تا زوایای پنهان و مفاهیم عمیق این داستان را آشکار سازند. تحقیق حاضر نیز با تکیه بر این پیشینه پژوهشی، به بررسی و تحلیل اسرار تفسیری و تاویلی داستان اصحاب کهف از نگاه قرآن پژوهان با تأکید بر مفاهیم ولایت و تقیه می‌پردازد.

معرفی سوره‌ی کهف

سوره کهف با نام‌های چون «الکهف»، «اصحاب الکهف» و «حائله». (فیروزآبادی، 1996 م: 297). از سوره مکی می‌باشد. واژه کهف 5 بار در آیات 25-17-16-11-9 این سوره ذکر شده است. راغب اصفهانی در معنای کهف آن را غاری در کوه آورده است (راغب اصفهانی، 1412ق: 727)، علاوه بر آن کهف را به معنای غار وسیع (طریحی، 1375، 5/ 117)؛ غار کنده شده (الجوهری، 1407ق: 1425/4) را نیز بیان داشته‌اند. ابن منظور نیز کهف را غاری در کوه دانسته است (ابن منظور، 1414ق: 311/9). در باب شأن نزول این آیه براساس مستندات تفسیری و تاریخی چنین آمده است که مشرکان مکه در پی انتشار امر بعثت پیامبر اکرم (ص) سعی نمودند با ارتباط با یهودیان مدینه راستگویی او را کشف نمایند. پس عده‌ای را برای گفتمان با علمای یهود به سوی مدینه روانه ساختند و در نهایت با چهار سوال از نزد علمای یهود خارج شدند که سوالات بدین شرح است 1- داستان اصحاب کهف 2- داستان موسی و خضر (ع) 3- ذوالقرنین و آخرین سوال در باب برپایی قیامت. اگر پیامبر اکرم (ص) به سوالات نخست پاسخ می‌داد و در پاسخ سوال چهارم از آن اظهار بی‌اطلاعی می‌نمود او راست گو بود (قمی، 1404ق: 2/ 31؛ رضایی اصفهانی، 1387: 192/12). مشرکان

سوالات خویش را در نزد پیامبر اکرم(ص) مطرح نمودند و ایشان پاسخ سه سوال نخست را بیان نمودند اما در بیان سوال چهارم اظهار بی اطلاعی نمودند و بدین صورت پیامبری و بعثت ایشان اثبات گردید.

تعاریف و مبانی نظری

واژه ولایت

ولایت را به معنای سرپرستی یا دوستی دانسته اند (ابن منظور، 1416ق: 406/15). ولایت به معنای سرپرستی، حمایت، و رهبری است (انصاری، 1397: 124). در قرآن، ولایت به معنای دوستی و حمایت الهی از مؤمنان به کار رفته است (همان منبع). خداوند متعال در آیه ۲۵۷ سوره بقره در باب ولایت چنین تعبیر می نماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...» (بقره: ۲۵۷). این آیه محوری در بحث امامت و ولایت در قرآن است و بیانگر ولایت الهی بر مؤمنان و خروج آنها از ظلمت به سوی نور است. در این آیه، خداوند ولی مؤمنان است و آنها را از ظلمات به نورانیت می برد. در سوره شوری آیه 9 نیز به این مورد اشاره شده است «...فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ...» که ولایت فقط از آن خداست. ولایت بر دو نوع است ولایت عام و خاص. ولایت عام که شامل همه موجودات می گردد و مؤمنان، کفار و حتی شیطان و همه موجودات عالم هستی تحت ولایت خدا قرار دارند. چنانکه در سوره رعد آیه 16 ذکر شده است که ولایت خاص مختص مومنین است و خداوند متعال به آنان توفیق عبادت و پیمودن راه حق را می دهد. در سوره الاحزاب آیه 43 چنین می فرماید: «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (اوست خدایی که هم او و هم فرشتگانش بر شما بندگان رحمت می فرستند تا شما را از ظلمت‌ها (ی جهل و نقص و گمراهی) بیرون آرد و به عالم نور (علم و ایمان) رساند، و او بر اهل ایمان بسیار مهربان است).

واژه تقیه

تقیه در لغت اسم مصدر از اتقی، یتقی، اتقاء و به معنی پرهیز از خطر، حفظ نفس و حفاظت از جان و مال در پی پنهان نمودن عقیده برحق خویش است (تهانوی، 1967م: 1527/2)، زبیدی تقیه را به معنای صیانت نفس از عذاب و اجتناب از معاصی از راه انجام عمل صالح می داند (زبیدی، 1409ق: 396/10). تقیه به معنای پنهان کاری و انطباق با شرایط برای حفظ نفس و اهداف دینی است (عظیمی، 1394: 80). در قرآن، تقیه به عنوان راهی برای مؤمنان در مواجهه با تهدیدها و ظروف دشوار به کار رفته است (اکبری و همکاران، 1398، 25). تقیه به معنای ابراز عقیده یا انجام دادن کاری بر خلاف نظر و اعتقاد قلبی است. تقیه می تواند به دفع ضرر یا جذب افراد و مصالح برتر انجام شود (انصاری، 1397: 124). تقیه یکی از مفاهیم اساسی در فقه و عقاید اسلامی است که به معنای پنهان کردن یا انکار عقاید دینی در شرایطی است که فرد تحت فشار یا تهدید قرار دارد (لطفی افین، 1402ق: 27). در شرایطی که فرد مومن در معرض خطرات جدی از سوی دشمنان دین قرار دارد، تقیه به عنوان یک راهکار برای حفظ ایمان و جان وی مورد استفاده قرار می گیرد (شریعتی، 1402: 174).

معرفی اصحاب کهف

داستان اصحاب کهف 9 تا 26 سوره کهف را در برمی گیرد که ماجرای گروهی از جوانان مومن که برای حفظ ایمان خویش از ظلم حاکمان زمان خود فرار کرده و به غاری پناه می برند، را بیان می دارد. خداوند متعال در آیه 9 چنین داستان را آغاز می نماید: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا». (آیا گمان کردی که اصحاب کهف و رقیم از نشانه های شگفت انگیز ما بودند؟ [چنین نیست؛ زیرا ما را در پهن دشت هستی نشانه هایی شگفت انگیزتر از اصحاب کهف است.]). خداوند متعال در ادامه از جوانانی سخن می گوید که به خاطر ایمان به خدای یکتا و حفظ دین خود از شهر و دیار خویش خارج شدند و درون غاری وارد شدند و از خداوند طلب حفاظت نمودند و سپس به امر خداوند به خواب رفتند و چندین سال بدین منوال زندگی خویش را سپری نمودند. مجمل بودن روایت قرآنی بحث های بسیاری در میان مفسران قرآنی و مورخان برانگیخته

1. أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ؟ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ؟ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ.

است و در تفاسیر خویش اعم از شیعه و سنی در این باره به تفصیل سخن رانده و به مسائل مختلف آنان پرداختند. محمد بن جریر طبری (م310) مفسر و مورخ بزرگ شافعی مذهب در کتاب جامع البیان عن تأویل آی القرآن در باب اصحاب کهف چنین نوشته است «اصحاب کهف مردمانی از شهر یونان (سرزمین یونان) بودند از شهری که آن را افسوس میخواندند، پادشاهی به نام دقینوس بر شهری از یونان به نام افسوس حکومت میکرد و آنها بعد از ذوالقرنین بودند» (طبری، 1387ق: 2/ 939-940). دینوری (د283ق) در اخبار الطوال آورده است: «بندر افسیس در نزد جغرافی نویسان قدیم به نام افسوس یا افسوس معروف بود و چون غار اصحاب کهف که ذکر آن در قرآن آمده در آنجا بوده شهرتی داشته است» (دینوری، 1364: 43/1). ابن بطریق در کتابی به نام «نظم الجواهر» شهر افسوس را محل زندگی آنان ذکر کرده است (المجذوب، 1380: 155).

ابوالفضل رشید الدین میددی (6ق)، صاحب تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار از قول علی بن ابی طالب آنان را قومی «در روزگار ملوک طوائف میان عیسی (ع) و محمد (ص) که مسکن آنها سرزمین روم بود در شهری به نام افسوس که گفته اند امروزه آن شهر طرطوس نام دارد و اهل آن شهر بر دین عیسی (ع) بودند. در زمان پادشاهی که به دین عیسی بود و کار مردم نظام مند بود وقتی شاه مرد مردم گمراه شده و بت می پرستیدند و در میان آنها عده کمی اهل خداپرستی و بر دین عیسی باقی مانده بود. پادشاهی ستمگر و کافر بت پرست بر شهر محیط شد چنانکه دعوی خدایی کرد و مردم را مجبور به اطاعت و پرستش خود میکرد...» (میددی، 1371: 616/5). محل غار اصحاب کهف را اغلب مفسرین شهر افسوس می دانند که در ناحیه ی آسیای صغیر می باشد (قرشی، 1374: 1/ 2665). بیضاوی متوفی سال 691 هجری قمری در انوار التنزیل محل قرارگیری غار اصحاب کهف را برای جلوگیری از فساد و هوای مطبوع درون غار چنین بیان نموده است: «...درب غار در مقابل ستارگان بنات نعش است و نزدیکترین مشرق و مغربی که محاذی آن است مشرق و مغرب راس السرطان است و وقتی که مدار آفتاب با مدار آن یکی باشد آفتاب به طور مایل و مقابل در طرف چپ غار میتابد و شعاعش به طرف مغرب کشیده میشود و در هنگام غروب از طرف محاذی صبح میتابد و شعاع طرف عصرش به جای تابش طرف صبح کشیده میشود و عفونت غار را از بین برده هوای آن را تعدیل میکند و در عین حال بر بدن آنها میتابد و با تابش خود اذیتشان نمیکند و لباسهایشان را نمیپوساند» (بیضاوی، بی تا: 6/2).

مفسرین در مورد تعداد اصحاب کهف اختلاف نظری های دارند به طور مثال سورآبادی (5ق) صاحب تفسیر سورآبادی آنان را: «هفت نفر ملکزاده در روزگار دقینوس در شهر افسوس» می داند. (عتیق نیشابوری، 1380: 81/2) ابن عباس نیز بر این نظر است که وقتی در آیه 22 سوره کهف کلمه «ورجما بالغیب» ذکر شده است (به معنی از روی ظن و گمان؛ نه دلیل و برهان سخن گفتن) و بطوریکه برای توضیح اعداد قبلی نیامده است، لذا این عدد 7 نفر که هشتمی آنها سگشان باشد قطعی است. (طبرسی، 1377: 861/1)، اما بروسوی حقی در تفسیر روح البیان تعداد آنان را کمتر ذکر می نماید و بیان می دارد: «در این میان 6 جوان موحد از اشراف زادگان شهر که به خداوندی آفریدگار جهان، ایمان واقعی داشتند از جامعه گوشه گیری کردند و به دعا و عبادت مشغول شدند. خبر به دقینوس که رسید، آنانرا جوانی خردسال نامید» (حقی بروسوی، بی تا: 831/5) و اینگونه خداوند متعال اصحاب کهف را در غار از شر دشمنان حفظ و دلهایشان را به نیروی ایمان و اعتقاد مستحکم می کند، چنانکه در آیه 14 نیز چنین می فرماید: «وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا ۚ لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا». خداوند در این آیات با ذکر جزئیاتی از اوضاع و احوال اصحاب کهف سعی دارد تا از آن به عنوان ابزاری برای تقویت بخشی حقیقت در قلب و دل مومنین بهره جوید و تأثیر بیشتری بر روح و روان خدا پرستان بگذارد (مسبوق، فتوحی نظری، 1395: 195). علاوه بر روایات اسلامی در مورد اصحاب کهف شاهد روایت داستان در منابع مسیحی نیز هستیم. این داستان در جهان مسیحی اولین بار توسط ژاک ساروک (متولد 452م) بیان گردید، چنانکه در زمان امپراتور دقینوس هشت نوجوان اشراف زاده یکتا پرست از ترس ایمان خویش را در دل نهان داشته اما خبر مسیحی شدن آنان به گوش امپراتور رسید و او آنان را سخت آزار داد، جوانان برای حفظ جان خویش از شهر افسوس خارج و به غاری پناه بردند و پس از آن ماجرای خواب و بیداری چندین ساله آنان پیش می آید (Nicholas: 1985: 145-156). داستان به صورت دیگر نیز در متون غربی ذکر شده است چنانکه ادوارد گیبون آنان را هفت تن جوان اشراف

2. سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ ۗ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ ۗ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ۗ فَلَا تُحَارِبْهُمْ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَنْتَفِعْ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا. (گروهی خواهند گفت: «آنها سه نفر بودند، که چهارمین آنها سگشان بود!») و گروهی می گویند: «پنج نفر بودند، که ششمین آنها سگشان بود.» - همه اینها سخنانی بی دلیل است- و گروهی می گویند: «آنها هفت نفر بودند، و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگار من از تعدادشان آگاهتر است!» جز گروه کمی، تعداد آنها را نمی دانند. پس درباره آنان جز با دلیل سخن مگو؛ و از هیچ کس درباره آنها سؤال مکن!.

زاده مسیحی اسیر امپراتور دیکئوس می داند که در غاری در نزدیکی شهر افسوس پنهان شدند. امپراتور با اطلاع از موضوع دستور بستن دهانه غار را داد اما در این حال جوانان به خواب عمیقی رفتند و به مدت 187 به اذن خداوند در خواب بودند (Gibbon:1789-1776.266/2).

آیات کلیدی سوره کهف مرتبط با ولایت و تقیه

با بررسی صورت پذیرفته در سوره کهف آیات کلیدی این داستان مربوط به پژوهش عبارتند از:

- آیه 10 سوره کهف

«إِذْ أَوْى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا»

علامه طباطبایی در کتاب تفسیر المیزان این آیه به پناه بردن جوانان به غار به عنوان نمادی از تقیه اشاره می کند. آن‌ها از ترس جان و برای حفظ ایمان خود به غار پناه بردند و از خداوند درخواست رحمت و هدایت کردند. این عمل آن‌ها نشان‌دهنده اهمیت تقیه در حفظ ایمان در شرایط سخت است (طباطبایی، 1388: 13/239). در این آیه علاوه بر این تفسیر واژه الفتیه نیز به معنای مرد جوان در این آیه به کار برده شده است (فراهیدی، 1409ق: 8/137). در کتاب مجلسی در باب این واژه چنین نقل شده است که امام صادق (ع) خطاب به یکی از مریدانشان فرمودند که اصحاب کهف میانسال بودند و خداوند به دلیل پایداری در ایمان و اعتقاد راسخشان آنان را فتی نامید. (مجلسی، 1103ق: 14/428).

- آیه 13 سوره کهف

«نَحْنُ نُقْصُ عَلَيْكَ نَبَاهُكَ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى»

مکارم شیرازی در کتاب تفسیر نمونه در باب تفسیر این آیه به افزایش هدایت و ایمان جوانان توسط خداوند اشاره می کند. او بیان می کند که این افزایش هدایت نشان‌دهنده نقش ولایت الهی در تقویت ایمان و هدایت مومنان است (مکارم شیرازی، 1396: 11/406).

- آیه 16 سوره کهف

«وَإِذِ اعْتَرَّتْهُمُ الْمَوْتُ وَمَا يُعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرُ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّن رَّحْمَتِهِ وَيَهَيِّئُ لَكُمْ مِّنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَاقًا»

محسن قرائتی در تفسیر این آیه به عمل اعتزال (کناره‌گیری) جوانان از قوم خود و پناه بردن به غار به عنوان یک عمل تقیه‌گرا اشاره می کند. او بیان می کند که این کناره‌گیری نشان‌دهنده تقیه در برابر فشارهای اجتماعی و دینی است (قرائتی، 1395: 7/102).

- آیه 18 سوره کهف

«وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنَقَلْنَاهُمُ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَكَلَمْتَهُ مِنْهُمْ رُعْبًا»

علامه طباطبایی بیان می کند که حالت خواب عمیق اصحاب کهف و تدابیری که خداوند برای حفاظت از آن‌ها اندیشیده، نشان‌دهنده حمایت الهی (ولایت) از مومنان است. این حفاظت الهی باعث شده تا دشمنان نتوانند به آن‌ها آسیبی برسانند (طباطبایی، 1388: 13/305).

رابطه ولایت و تقیه در سوره اصحاب کهف

منابع اسلامی، روایات زیادی درباره اصحاب کهف را در خود جای داده اند که برخی از آنها از نظر اسناد قابل اعتماد نیستند و میان برخی تضاد و اختلاف وجود دارد. یکی از معتبرترین روایات که در تفسیر علی بن ابراهیم قمی آمده است، چنین است: امام صادق (علیه السلام) در مورد اصحاب کهف و رقیم فرمود: آنان در زمان پادشاه جبار و گردنکشی زندگی می کردند که مردم را به پرستش بت‌ها دعوت می کرد و هر کس نپذیرفت، کشته می شد. این گروه با ایمان، خداوند را پرستش می کردند و ایمان خود را مخفی نگه می داشتند (مکارم شیرازی، 1376: 163). مفسرین برجسته نیز در باب آیات سوره کهف که در آن جوانان به حفظ ایمان خویش پرداخته اند، سخنان و مطالبی چند آورده اند که در آن به ولایت و تقیه آنان اشاره نموده اند. علامه طباطبایی به نقش ولایت الهی در هدایت و حفاظت از اصحاب کهف اشاره می کند. او بیان می کند که خداوند با افزایش هدایت و ایمان آن‌ها و حفاظت از آن‌ها در غار که نشان‌دهنده ولایت الهی است، مومنان را در شرایط سخت یاری می دهد (طباطبایی، 1388: 13/295). خداوند در آیه 10 و 13 این سوره آنان را به عنوان فتیه (جوانمردان) معرفی می نماید که در عرفان اسلامی فتوت از مبانی و اصول ولایت است.

همچنین آیت الله مکارم شیرازی نیز به همین نکته اشاره کرده و بیان می‌کند که افزایش هدایت جوانان و حفاظت از آن‌ها، نشانه‌ای از ولایت الهی و نقش آن در زندگی مومنان است (مکارم شیرازی، 1395: 11/412). علاوه بر مفهوم ولایت، تقیه نیز ارتباط تنگاتنگی با مضامین آیات سوره اصحاب کهف و داستان آنان دارد. محسن قرائتی در مطلبی به مفهوم تقیه در داستان اصحاب کهف اشاره می‌کند و بیان می‌کند که پناه بردن جوانان به غار و کناره‌گیری از جامعه فاسد، یک عمل تقیه‌گراانه است که به حفظ ایمان آن‌ها کمک کرده است (قرائتی، 1396: 7/109). علامه طباطبایی نیز این نکته را تأیید کرده و بیان می‌کند که تقیه در برابر فشارهای اجتماعی و دینی، یک اصل مهم در حفظ ایمان مومنان است و داستان اصحاب کهف نمونه‌ای بارز از این اصل است (طباطبایی، 1388: 13/308).

خداوند متعال در باب تقیه در قرآن کریم مصادیقی دیگری را ذکر نموده است که می‌توان به تقیه حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) اشاره نمود که در آیه 89 سوره انعام چنین آمده است: «فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ» (پس به ستارگان نگاهی کرد و گفت: من بیمارم). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بیان می‌کند که حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) برای جلوگیری از شرکت در جشن کافران و به منظور حفظ جان و ایمان خود، به بیماری تظاهر کرد. این عمل او نمونه‌ای از تقیه است (طباطبایی، 1388: 7/274) یا تقیه مؤمن آل فرعون که در آیه 28 سوره غافر که چنین آمده است: «وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ» (و مردی مومن از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می‌داشت، گفت: آیا مردی را می‌کشید به این سبب که می‌گوید پروردگار من الله است و با دلایل روشن از سوی پروردگارتان به سوی شما آمده است؟). قرائتی در تفسیر نور این آیه را مصداق نقش تقیه در حفظ ایمان مؤمن آل فرعون اشاره کرده است. این مرد مومن برای حفظ جان خود و تأثیرگذاری بیشتر بر فرعون و قومش، ایمان خود را پنهان کرده و در لحظه مناسب به دفاع از حضرت موسی (علیه‌السلام) پرداخت (قرائتی، 1395: 8/422).

اصحاب کهف با دریافت عمیق معنای توحید، ابعاد عمیق‌تری از ایمان و پایداری در برابر ظلم و ستم را نشان می‌دهند و به توسعه و اعتلایی از روح می‌رسند (امامی، 1401: 13). ولایت الهی در هدایت و حفاظت از مومنان و تقیه به عنوان راهکاری برای حفظ ایمان در شرایط سخت، دو مفهوم اساسی هستند که در این داستان به وضوح مشاهده می‌شوند و به عنوان یک الگو برای مومنان در هر زمان و مکانی می‌باشد. عملکرد اصحاب کهف می‌تواند به عنوان یک نماد قوی از ولایت و تقیه در دوران ظلم و ستم تعبیر شود و پناه بردن به غار آنان نشان‌دهنده تقیه و حفظ ایمان خود در برابر ظلم و ستم حاکمان زمان خود هستند. در میان رابطه تقیه و ولایت الهی ما شاهد پایداری در ایمان و استقامت در برابر هجوم افکار مخالف و ستم نیز هستیم.

قرآن کریم مصادیق پایداری در ایمان را در آیاتی چند ذکر کرده است که می‌توان به پایداری حضرت نوح در آیات 6-5 سوره نوح اشاره نمود که فرمود: «قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَبِئًا وَتَهَارًا. فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا». نوح (ع) بیش از 950 سال به دعوت قوم خود به سوی توحید و پرهیزگاری پرداخت، اما با مقاومت و سرسختی آن‌ها روبرو شد. با این حال، او در ایمان و وظیفه پیامبری خود پایدار ماند و به دعوت خود ادامه داد. خداوند متعال در باب استقامت و پایداری در ایمان حضرت ابراهیم چنین می‌فرماید: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ...» (بقره: 124). او در مقابل آزمون‌های سختی که خداوند برایش قرار داد، از جمله ترک وطن، قربانی کردن فرزند، و مواجهه با بت‌پرستان، پایداری نشان داد و همه این امتحانات را با موفقیت پشت سر گذاشت. یا داستان حضرت موسی (ع) و بنی‌اسرائیل که در آیه چنین آمده است: «قَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (یونس: 85) که بنی‌اسرائیل تحت رهبری حضرت موسی (ع) در برابر ظلم و ستم فرعون و تهدیدات او، به خداوند توکل کردند و پایداری نشان دادند تا نهایتاً نجات یافتند. از جمله آیاتی که در آن به پایداری و تقیه پرداخته است **در باب مؤمن آل فرعون** که چنین آمده است: «وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ...» (غافر: 28) که مؤمن آل فرعون که ایمان خود را پنهان کرده بود، در لحظه مناسب به حمایت از حضرت موسی (ع) برخاست. او با وجود تهدیدات و خطرات، پایداری در ایمان خود را نشان داد.

پایداری در ایمان یکی از ویژگی‌های بارز مومنان حقیقی است که در قرآن کریم به آن تأکید شده است. این ویژگی باعث می‌شود تا مومنان در برابر سختی‌ها و آزمون‌های زندگی، استوار بمانند و از مسیر حق منحرف نشوند. داستان‌های قرآنی نمونه‌های بارزی از پایداری در ایمان را به تصویر می‌کشند و به مومنان امروز نیز الهام می‌بخشند تا در مواجهه با چالش‌ها، به ایمان خود پایبند بمانند و به خداوند توکل کنند. پایداری در ایمان به معنای ثبات و استواری در باورها و اعتقادات دینی در مواجهه با مشکلات، چالش‌ها و فشارهای اجتماعی است. این مفهوم در قرآن کریم به کرات

مورد تاکید قرار گرفته و مومنان به حفظ و تقویت ایمان خود در برابر سختی‌ها و آزمون‌های مختلف توصیه شده‌اند. پایداری در ایمان نه تنها به حفظ ارتباط با خداوند کمک می‌کند، بلکه به عنوان یک نیروی محرکه برای مقاومت در برابر ظلم و فساد نیز عمل می‌کند.

اسرار تفسیری و تاویلی اصحاب کهف با توجه به دو غرض اصلی (ولایت و تقیه)

در این تحقیق، به بررسی و تحلیل اسرار تفسیری و تاویلی داستان اصحاب کهف از دیدگاه قرآن پژوهان با تاکید بر مفاهیم ولایت و تقیه پرداخته شد. نتایج این تحقیق نشان داد که داستان اصحاب کهف به عنوان یکی از نمونه‌های برجسته تاریخی و دینی، دارای مضامین عمیق و گسترده‌ای است که می‌تواند به درک بهتر اصول و مفاهیم دینی کمک کند که بر اساس دو غرض اصلی پژوهش بدین شرح است:

الف) تقیه

- حفظ ایمان و جان در شرایط خطرناک

داستان اصحاب کهف یکی از نمونه‌های بارز تقیه در قرآن است و عملکرد جوانان اصحاب کهف نشان داد که چگونه می‌توان در شرایط سخت و تهدیدآمیز، ایمان را حفظ کرد. چند مصداق دیگر نیز در این رابطه می‌توان بیان نمود چنانکه خداوند متعال در این باره در سوره نحل آیه 106 نیز می‌فرماید: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (کسی که بعد از ایمان به خدا کافر (و مرتد) شود، نه آنکه او را به زور وادار کرده‌اند (که با زبان اظهار کفر کند) در حالی که قلبش به ایمان خویش مطمئن است، بلکه کسی که سینه به روی کفر بگشاید (و بعد از ایمان با شادی به استقبال کفر برود) پس بر آنان از طرف خداوند غضبی است و برایشان عذابی بزرگ است). حفظ ایمان اصحاب کهف در دوره خویش نه تنها به حفظ جان آن‌ها انجامید بلکه به عنوان الگویی برای مومنان در طول تاریخ مبدل گشت که این الگو عبارت است از:

- پنهان کردن ایمان

در آیات مرتبط با داستان اصحاب کهف، به پنهان کردن ایمان و کناره‌گیری از جامعه فاسد اشاره شده است. این اقدام به منظور حفظ ایمان و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی است. امام صادق (ع) نیز در روایتی چنین می‌فرماید: «التَّقِيَّةُ تَرُسُ اللَّهَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ» (تقیه سپری از خدا، میان او و خلق است) (کلینی، 1411ق: 220/2). روایتی از امام صادق (علیه السلام) در الکافی ذکر شده است که تقیه هیچ‌کس به اندازه‌ی تقیه‌ی اصحاب کهف نمی‌رسد. آنان همچون دیگران زُتار می‌بستند و در اعیاد شرکت می‌جستند و خداوند به آنان دوبار پاداش عطا فرمود (همان: 218/2). علاوه بر این برخی از روایات اسلامی کتمان ایمان ابوطالب را هم پایه و اندازه کتمان ایمان اصحاب کهف میدانند و این امر تاییدی بر اهمیت تقیه می‌باشد. (عیاشی، 1380ق: 2/323؛ راوندی، 1409ق: 2/942).

- پناه بردن به غار (ترک محیط اجتماعی)

یکی از نمادهای اصلی تقیه در داستان اصحاب کهف، پناه بردن جوانان به غار برای حفظ ایمان و جانشان است. این عمل نشان‌دهنده تقیه و پنهان شدن از فشارهای اجتماعی و دینی است. علاوه بر این در متون عرفانی

- تظاهر به بیماری

نمونه‌ای از تقیه در قرآن کریم، تظاهر حضرت ابراهیم به بیماری برای جلوگیری از شرکت در جشن کافران و حفظ ایمان است. این عمل به عنوان یک مثال بارز از تقیه در داستان‌های قرآنی قابل مشاهده است.

خداوند متعال مصادیق دیگری را نیز در باب تقیه و حفظ ایمان بیان نموده است به طور نمونه در آیه 28 سوره آل عمران چنین آمده است: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاءً وَ يُحَدِّثْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند؛ و هرکس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد [او پیوند او به کلی از خدا گسسته می‌شود]؛ مگر اینکه از آن‌ها تقیه کنید [و به خاطر هدف‌های مهمتری کتمان نمایید]. خداوند شما را از [نافرمانی] خود، برحذر می‌دارد؛ و بازگشت [شما] به سوی خداست). این آیه به موضوع تقیه و اهمیت آن در حفظ ایمان و جان مومنان اشاره دارند. علاوه بر آیات الهی شاهد روایات بسیاری در این مورد هستیم که ائمه اطهار (ع) بر امر تقیه تاکید فراوانی می‌نمایند.

امام صادق (علیه السلام) اگر بگویم: «کسی که به تقیه عمل نمی‌کند مانند کسی است که نماز نمی‌خواند قطعاً راست گفته‌ام و تقیه در همه چیز می‌باشد تا به حدّ خون (جان دیگران) برسد؛ پس وقتی به ریختن خون رسید تقیه جایز نیست. خداوند متعال اظهار دوستی با کافران را در حال تقیه اجازه داد و فرمود: لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً. (مجلسی، 1103ق: 421/72). این آیات و روایات نشان‌دهنده مشروعیت تقیه در شرایط اضطراری و تهدید است و این امر در حفظ ایمان از گزند ظالمان و بیدادگران امری حیاتی است.

ب) ولایت

- هدایت الهی

هدایت از ریشه ه.دی می‌باشد که به معنای نشان دادن راه درست برای رسیدن به مقصد (طبرسی، 1379 ذیل «هدانا») و در اصطلاح به معنای تعیین کمال مناسب یک شی و راه رسیدن به آن است (جوادی آملی، 1389: 35) و هادی فقط خداوند متعال است و هدایت اصلی، هدایت الهی است (آل عمران، 73). در داستان اصحاب کهف، جوانان به دلیل ایمان قوی خود از هدایت الهی برخوردار می‌شوند. این هدایت شامل افزایش ایمان و حمایت الهی در لحظات بحرانی است. خداوند متعال در آیه 10 سوره تغابن به هدایت ویژه مومنان می‌پردازد و می‌فرماید: «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (و هر که به خدا ایمان آورد (خدا) دلش را هدایت می‌کند). علاوه بر این سوره محمد آیه 17: «وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ» (و آنان که به هدایت گراییدند خدا آنها را هر چه بیشتر هدایت بخشید و به آنها توفیق پرهیزگاری داد) همچنین در سوره انعام: آیات ۷۱-۲ و سوره نحل: آیات ۱۲۵ و ۱۲۸ نیز خداوند به صراحت بدان اشاره کرده است.

- حفاظت الهی

نقش ولایت الهی در داستان اصحاب کهف به وضوح دیده می‌شود. خداوند با هدایت و تقویت ایمان جوانان، آن‌ها را در برابر فشارهای اجتماعی و تهدیدات محافظت کرد. هدایت الهی نه تنها به آن‌ها آرامش و اطمینان داد، بلکه آن‌ها را قادر ساخت تا در برابر ظلم و ستم مقاومت کنند. این حفاظت شامل خواب عمیق و تغییر وضعیت آن‌ها برای جلوگیری از کشف و آسیب دشمنان است.

- افزایش هدایت و رحمت

توکل به خداوند در همه مراحل زندگی و تکیه به الطاف ذات باریتعالی و ایمان داشتن به یاری خداوند از ویژگی‌های این جوانان بود که موجب رحمت الهی روز افزون نسبت به آنان در شرایط دشوار و سخت گردید. آنان درخواست رحمت از خداوند را با ایمان به درگاه الهی عرضه داشتند و این امر نشان‌دهنده این است که هدایت و رحمت الهی برای مومنان پایدار است و در شرایط سخت نیز خداوند آن‌ها را یاری می‌کند. در سوره کهف آیه 13 بدان اشاره شده است.

- عدم مشارکت در اعمال شرک آلود

با بررسی آیات سوره اصحاب کهف نشان می‌دهد که این جوانان برای حفظ ولایت الهی و تقوای خویش به سرپیچی از فرامین مشرکانه پرداخته و در هر فرصتی سعی در عدم مشارکت در مجالس مذهبی شرک آلود جامعه خویش داشتند. آیات 13، 16 و 18 سوره کهف به وضوح نقش هدایت و حفاظت الهی از اصحاب کهف را نشان می‌دهند. این آیات به قدرت و رحمت الهی در حمایت از مومنان تاکید دارند. اما در برخی مواقع نیز برای کتمان ایمان خویش با جامعه خویش همراه گشتند.

ج) پایداری در ایمان

- دعا و درخواست هدایت

مفهوم دعا یعنی « پیوند باطنی با مبدأ همه نیکی‌ها و خوبی‌ها» (مکارم شیرازی و همکاران، 1372: 643/1) که همراه با خودآگاهی و بیداری در اندیشه و ایمان می‌باشد. جوانان اصحاب کهف با دعا و درخواست هدایت از خداوند، نشان‌دهنده پایداری و تقویت ایمان خود بودند. این نشان‌دهنده اهمیت دعا و ارتباط با خداوند در حفظ ایمان است.

-کناره‌گیری از جامعه فاسد

بی‌گمان وضعیت محیط اجتماعی زندگی بر انسان از لحاظ روحی و اعمال تأثیر می‌گذارد و انسان دائم در تعامل با محیط پیرامون خویش است و اگر محیطی آلوده به شرک و کفر باشد، انسان‌های با ایمان برای حفظ ایمان رنج بسیار می‌بینند. اصحاب کهف با کناره‌گیری از جامعه فاسد و پناه بردن به غار، نشان‌دهنده مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی و حفظ ایمان خود هستند تا بتوانند از ولایت الهی در جهت استقامت در ایمان خویش و پایداری آن بهره‌جویند.

-مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی

جوانان اصحاب کهف با مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی و حفظ ایمان خود، نمونه‌ای از پایداری در ایمان را ارائه می‌دهند که می‌تواند به عنوان الگویی برای مومنان در شرایط مختلف عمل کند. این الگو نشان می‌دهد که داستان اصحاب کهف شامل سه مفهوم اصلی ولایت، تقیه و پایداری در ایمان است که هر کدام دارای مولفه‌های مرتبط و کاربردی هستند. تحلیل این مضامین و الگوی تجمیع آن‌ها کمک می‌کند تا به درک عمیق‌تری از پیام‌های دینی و اخلاقی داستان اصحاب کهف دست یابیم و از این مفاهیم به عنوان راهنما در زندگی روزمره بهره‌برداری کنیم. این الگو همچنین می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آینده در زمینه مفاهیم قرآنی و تفاسیر مختلف باشد. آیه 10 سوره کهف به دعا و درخواست رحمت الهی توسط جوانان اصحاب کهف اشاره دارد، «وَهَيَّيْنَا لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا»، راهی که ما را از این تنگنا برهاند، به رضایت و خشنودی تو نزدیک سازد، راهی که در آن خیر و سعادت و انجام وظیفه بوده باشد برای ما فراهم ساز. این آیه نشان‌دهنده اهمیت دعا و ارتباط با خداوند در حفظ و تقویت ایمان است.

جدول 1- مضامین فرعی و اصلی حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش

مضامین اصلی	مضامین فرعی	آیات مرتبط	تحلیل
تقیه	پناه بردن به غار	کهف 16	جوانان برای حفظ ایمان خود از جامعه فاسد جدا شده و به غار پناه بردند که نشانه‌ای از تقیه در شرایط سخت است.
ولایت	هدایت الهی به اصحاب کهف	کهف 13	خداوند هدایت جوانان اصحاب کهف را افزایش داد که نشان‌دهنده نقش ولایت الهی در تقویت ایمان و هدایت مومنان است.
	حفاظت الهی از اصحاب کهف	کهف 18	خداوند با ایجاد شرایطی خاص از جمله خواب عمیق، جوانان اصحاب کهف را از خطرات حفظ کرد که نمونه‌ای از ولایت الهی است.
	افزایش هدایت و رحمت الهی به جوانان اصحاب کهف	کهف 16	خداوند با افزایش هدایت و رحمت خود، جوانان اصحاب کهف را در مسیر حق یاری کرد که نشان‌دهنده نقش ولایت الهی در زندگی مومنان است.
	دعا و درخواست رحمت الهی توسط اصحاب کهف	کهف 10	جوانان اصحاب کهف با دعا و درخواست رحمت از خداوند، نشان‌دهنده پایداری و تقویت ایمان خود بودند.

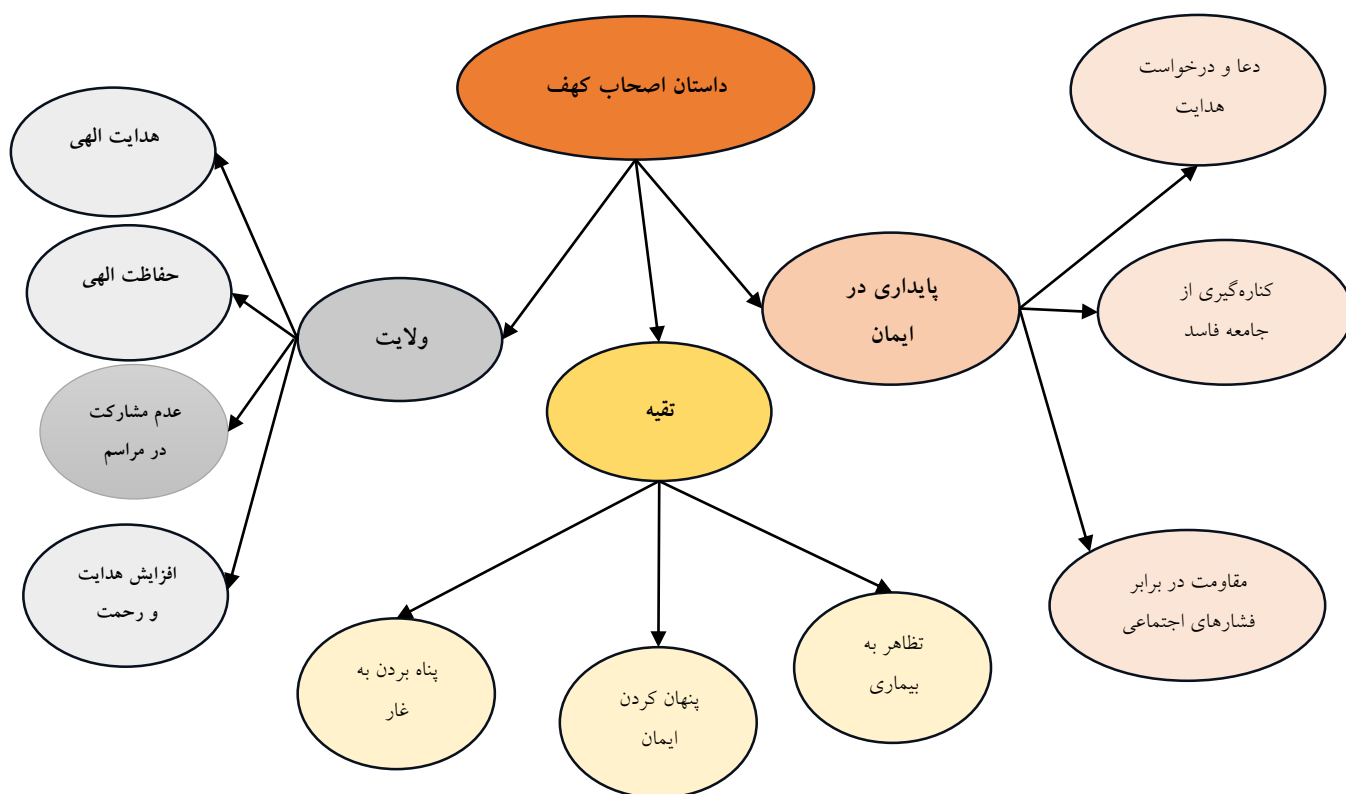
پایداری در ایمان	از کناره‌گیری جامعه فاسد و حفظ ایمان	کهف 16	جوانان اصحاب کهف با کناره‌گیری از جامعه فاسد و پناه بردن به غار، ایمان خود را در برابر فشارهای اجتماعی حفظ کردند.
------------------	--------------------------------------	--------	---

با بررسی دیگر آیات و مضامین اصلی بدست آمده نتایج زیر بدست آمد:

جدول 2- خلاصه مضامین فرعی و اصلی یافته‌های پژوهش

مضامین اصلی	مضامین فرعی	آیه	متن عربی	تفسیر و تحلیل
تقیه	حفظ ایمان	نحل 106	«مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ...»	در این آیه به مسئله تقیه اشاره شده است، جایی که فرد مومن به اجبار به کفر اظهار می‌کند، در حالی که قلبش به ایمان مطمئن است. این آیه به مشروعیت تقیه در شرایط اجبار اشاره دارد.
	پنهان کردن ایمان توسط مؤمنین	آل عمران 28	«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاهُ...»	این آیه بیان می‌کند که مومنان نباید کافران را به جای مومنان به ولایت بگیرند، مگر در شرایطی که از آن‌ها ترس دارند و مجبور به تقیه هستند.
ولایت	هدایت الهی به اصحاب کهف	کهف 14	«وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبَّنَا رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوًا مِنْ دُونِهَا...»	خداوند قلب‌های اصحاب کهف را محکم کرد و آن‌ها با ایمان قوی ایستادند و خدا را به عنوان تنها رب قبول کردند. این نشان‌دهنده ولایت الهی است که به آن‌ها قدرت ایستادگی در برابر ظلم را داد.
	حفاظت الهی از اصحاب کهف	کهف 18	«وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ...»	خداوند با تدابیر خاص از جمله خواب عمیق و تغییر وضعیت، اصحاب کهف را از خطرات حفاظت کرد. این حفاظت الهی نمونه‌ای از ولایت الهی است که مومنان را در شرایط سخت یاری می‌دهد.
	دعا و درخواست هدایت	کهف 10	«إِذْ أَوْىءَ الْفَتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا»	جوانان اصحاب کهف با دعا و درخواست هدایت از خداوند، نشان‌دهنده پایداری در ایمان و اعتماد به رحمت الهی بودند.

ایمان در پایداری	کناره‌گیری از جامعه فاسد	نساء 97	«إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً...»	این آیه به مومنان اشاره می‌کند که در شرایط ظلم و فساد، باید مهاجرت کنند و از محیط فاسد دوری کنند. این مفهوم به کناره‌گیری اصحاب کهف از جامعه فاسد و پناه بردن به غار مرتبط است.
	پایداری و ثبات در ایمان	احقاف 13	«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»	این آیه به پایداری در ایمان و ثبات در برابر مشکلات اشاره دارد. اصحاب کهف نیز با پایداری در ایمان خود و عدم ترس از تهدیدات، نشان‌دهنده این مفهوم هستند.



شکل 1-1 الگوی تجمیع مضامین داستان اصحاب کهف بر اساس اغراض محوری

نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی اسرار تفسیری و تاویلی اصحاب کهف از نگاه قرآن پژوهان با تاکید بر امر ولایت و تقیه از دیدگاه قرآن پژوهان و تفاسیر معتبر می پردازد تا تاثیرات آن‌ها بر درک عمیق‌تر این داستان تبیین گردد.

ولایت به عنوان یکی از اصول اساسی در دین اسلام، نقش محوری در هدایت و حفاظت مومنان دارد. در داستان اصحاب کهف، این مفهوم به وضوح دیده می‌شود. خداوند با هدایت جوانان اصحاب کهف، آنان را از گمراهی نجات داد و با افزایش هدایت و رحمت الهی، ایمان آنان را تقویت کرد. حفاظت الهی نیز از دیگر جلوه‌های ولایت در این داستان است؛ خداوند با ایجاد شرایطی خاص مانند خواب عمیق و تغییر وضعیت جسمانی آنان، از آن‌ها در برابر خطرات و تهدیدات محافظت کرد. این حمایت الهی نشان‌دهنده نقش ولایت در تقویت و حفظ ایمان مومنان در شرایط سخت و بحرانی است.

تقیه به معنای پنهان کردن ایمان یا تغییر ظاهر برای حفظ جان و مال در شرایط تهدید و خطر، یکی از مفاهیم مهم در آموزه‌های دینی است. در داستان اصحاب کهف، جوانان برای حفظ ایمان خود از جامعه فاسد زمان خود فاصله گرفتند و به غار پناه بردند. این عمل آنان نمونه بارزی از تقیه است. همچنین، آیات دیگر قرآن مانند تظاهر حضرت ابراهیم به بیماری، نشان‌دهنده مشروعیت و اهمیت تقیه در شرایط اضطراری است. تقیه به عنوان راهکاری استراتژیک در برابر فشارهای اجتماعی و دینی، به مومنان کمک می‌کند تا در شرایط سخت، ایمان خود را حفظ کنند و از آسیب‌های احتمالی دور بمانند.

پایداری در ایمان، به معنای ثبات و استواری در باورها و اعتقادات دینی، حتی در مواجهه با مشکلات و چالش‌ها، از ویژگی‌های بارز مومنان حقیقی است. جوانان اصحاب کهف با دعا و درخواست هدایت از خداوند و پناه بردن به غار، نشان‌دهنده پایداری و مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی بودند. این داستان به ما می‌آموزد که در مواجهه با مشکلات و تهدیدات، پایداری در ایمان و توکل به خداوند، راهگشاست. آیات دیگری از قرآن مانند داستان حضرت ایوب و حضرت نوح نیز بر اهمیت پایداری در ایمان و مقاومت در برابر آزمون‌های الهی تاکید دارند.

تحلیل مضامین ولایت، تقیه و پایداری در ایمان در داستان اصحاب کهف نشان می‌دهد که این داستان علاوه بر روایت تاریخی، حامل پیام‌های عمیق دینی و اخلاقی است که می‌تواند به عنوان الگویی برای مومنان در شرایط مختلف زندگی مورد استفاده قرار گیرد. ولایت به عنوان حمایت و هدایت الهی، تقیه به عنوان راهکاری برای حفظ ایمان در شرایط سخت، و پایداری در ایمان به عنوان اصل اساسی در مواجهه با چالش‌ها، همگی مفاهیمی هستند که در این داستان به خوبی تبیین شده‌اند.

این مفاهیم نه تنها به فهم عمیق‌تر داستان اصحاب کهف کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند به عنوان راهنماهایی عملی برای زندگی روزمره مومنان مورد استفاده قرار گیرند. پژوهش‌های آینده می‌توانند با تمرکز بر دیگر داستان‌های قرآنی، به تحلیل و تبیین بیشتر این مفاهیم پرداخته و الگوهای جدیدی برای درک و استفاده از آموزه‌های دینی در زندگی روزمره ارائه دهند.

در نهایت، تحلیل داستان اصحاب کهف از دیدگاه قرآن پژوهان با تاکید بر مفاهیم ولایت و تقیه نشان می‌دهد که این داستان حاوی پیام‌های مهمی برای مومنان است. تقیه به عنوان یک راهکار استراتژیک در شرایط خطرناک، ولایت به عنوان هدایت و حمایت الهی، و پایداری در ایمان به عنوان یک اصل اساسی در مواجهه با فشارهای اجتماعی و دینی، از جمله مفاهیم کلیدی هستند که در این داستان برجسته شده‌اند. این مفاهیم می‌توانند به عنوان راهنمایی برای مومنان در شرایط مختلف زندگی عمل کنند.

منابع:

قرآن مجید.

1. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالصادر، 1414ق، بیروت.
2. اکبری، ندا؛ مرتضوی، اکرم، شاخصه‌های شناخت روایات تقیه سیاسی. علوم قرآن و حدیث، 51(2)، 9-26، 1398.
3. امامی، صابر، تولّد دوباره در قصّه‌های «اصحاب کهف»، «یونس» و «دیدار خضر و موسی» در کشف الأسرار، با تکیه بر مکتب ادبی سمبولیسم. پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت، 11(1)، 1-19، 1401.
4. انصاری، غلام‌مرتضی، تقیه در نگاه اسلام (تقیه در تاریخ و اقسام آن). مطالعات تطبیقی کلام، 13(8)، 122-177، 1397.
5. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التاویل (تفسیر البیضاوی)، دارالفکر، بی‌تا، لبنان-بیروت.
6. تهانوی، محمدعلی بن علی، کشف اصطلاحات الفنون، بی‌تا، 1967م، کلکته.
7. جوادی آملی، عبدالله، هدایت در قرآن، مرکز نشر اسراء، 1389، قم.
8. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، محقق عطار، احمد عبدالغفور، درالعلم للملایین، 1407ق، بیروت.
9. حاج‌بابایی، محمد رضا؛ نیکخواه‌منفرد، محمد، تحلیل ساختار روایت اصحاب کهف در قرآن کریم. پژوهش‌نامه معارف قرآنی، 19(5)، 115-146، 1393.
10. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، دارالفکر، بی تا، لبنان-بیروت.
11. حیدری، محمدصادق؛ شریفی، محمد؛ حلیمی جلودار، حبیب الله، اصحاب کهف؛ روایتی مسیحی یا قصه ای قرآنی؟... دو فصلنامه کتاب قیّم، 1402.
12. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، اخبار طوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نی، 1364، تهران.
13. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، مصحح صفوان عدنان داوودی، درالشامیه، 1412ق، بیروت-لبنان.
14. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، 1387، قم.
15. زبیدی، سید مرتضی، تاج العروس، بی نا، 1409ق، کویت.
16. شریعتی، روح الله، تقیّه در فقه سیاسی و سیاست خارجی، سیاست متعالیه، 11(3)، 173-190، 1402.
17. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، انتشارات روح الامین، 1388، قم.
18. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، مقدمه محمد واعظ زاده خراسانی، مترجم: حبیب روحانی؛ علی عبدالحمید؛ اکبر غفوری؛ احمد امیری شادمهری، آستان قدس رضوی-بنیاد پژوهش ها، 1377، مشهد.
19. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، داراحیا التراث العربی، 1379، بیروت.
20. طبری، أبوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری، دار المعرفه، 1412ق، چاپ دوم، بیروت.
21. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مرتضوی، 1375، تهران.
22. عتیق نیشابوری، ابوبکر، تفسیر سوره‌آبادی، مصحح علی اکبر سعیدی سیرجانی، نشر نو، 1380، تهران.
23. عظیمی ده علی، محمد، معناشناسی تقیه در قرآن. فصلنامه مطالعات قرآنی، 6(23)، 61-79، 1394.
24. عیاشی، محمد، التفسیر، به کوشش هاشم رسولی محلاتی، مکتبه العلمیه الاسلامیه، 1380ق، تهران.
25. قُرَاهِدِی، خلیل بن احمد، کتاب العین، الطبع الثانی، نُشِر هجرت، 1409ق، قم.
26. فیروزآبادی، مجدالدین أبو طاهر محمد بن یعقوب، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، المجلس الاعلی للثئون الاسلامیة/ لجنة إحياء التراث الاسلامی، 1996م، القاہرہ.
27. قرائتی، محسن، تفسیر نور، انتشارات درس‌هایی از قرآن، 1395، قم.
28. قرشی بنایی، اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، 1374، تهران.

29. قطب الدین راوندی، سعیدین هبه الله، الخرائج و الجرائح، موسسه امام مهدی، 1409ق، قم.
30. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، دارالکتب، 1404ق، قم.
31. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، دارالتعارف للمطبوعات، 1411ق، بیروت.
32. لطفی افین، زهرا، بررسی تطبیقی مستند قرآنی «تقیه» از منظر آلوسی و علامه طباطبایی. *مطالعات تفسیری آلاء الرحمن*، 1(3)، 27-54، 1402.
33. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (1103ق)، بحار الانوار، الطبعة الأولى، بیروت: دارالحياء التراث العربی.
34. مسبوق، سید مهدی؛ فتحی مظفری، رسول؛ علیزاده، گلاویز، تاثیر داستان های قرآن بر سلامت روان (مطالعه موردی داستان های سوره کهف). *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، 13(2)، 185-208، 1395.
35. مکارم شیرازی، ناصر. (1396). تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، 1396، قم.
36. -----، «معاد و جهان پس از مرگ»، سرور، 1376، قم.
37. مهدوی کنی، صدیقه؛ میری، فهمیه، هنر و تربیت در شخصیت پردازی قصص سوره کهف، *مطالعات قرآنی*، 14، 67-97، 1392.
38. مجدوب، احمد علی، اصحاب کهف در تورات، انجیل و قرآن، مترجم سید محمد صادق عارف، بنیاد پژوهش های اسلامی، 1380، مشهد.
39. میبیدی، رشیدالدین ابوالفضل، کشف الأسرار و عدة الأبرار، انتشارات امیرکبیر، 1371، تهران.
40. واحد، اسدالله؛ پوردرگاهی، ابراهیم، تطبیق اولیاله با اصحاب کهف در متون عرفانی فارسی، زبان و ادب فارسی، شماره 220، 1389.

41. Gibbon, Edward: "The History of the Decline and Fall of the Roman Empire", 6 volumes, Strahan & Cadell, Londo. (1776-1789).

Sims-Williams. "The Christian Sogdian Manuscript", C2, BTT 12, Berlin. Idem 1988: "Syro-Nicholas Sogdica III: Syriac Elements in Sogdian", *Acta Iranica*, 28(green leaf), pp 145-156.1985.